تازه‌های نشر

تازه‌ترین اثر «فریدا مک فادن» منتشر شد

داستان یک جراح مشهور که پدرش قاتل دخترهای چشم آبی است

خدیجه زمانیان | کتاب «در ممنوعه» اثر فریدا مک فادن که به تازگی توسط نشر نون به بازار کتاب آمده، یک داستان گیرا، هیجان‌انگیز و پرچالش است که خواننده را وارد دنیایی از رازها و معماها می‌کند. در این اثر، مک فادن با مهارت‌های نویسندگی‌اش موقعیت‌هایی غیرمنتظره و تنش‌زا برای مخاطب ایجاد می‌کند.

جدیدترین اثر فریدا مک فادن درباره یک جراح مشهور است؛ جراحی که پدرش یک قاتل زنجیره‌ای است. وقتی نورا یازده ساله در اتاقش مشغول انجام تکالیف مدرسه بود حتی فکرش را هم نمی‌کرد که پدرش در زیرزمین خانه مشغول به قتل رساندن آدم‌ها باشد! تا روزی که سر و کله پلیس پیدا می‌شود و پدرش به زندان می‌افتد. پدر نورا، آرون نیرلینگ، قاتل سریالی مخوفی بود که به جرم قتل ۱۸ زن دستگیر شد. مردی که در ظاهر پدری مهربان بود اما در زیرزمین خانه‌شان جنایاتی وحشتناک را مرتکب می‌شد و دست‌های قربانیانش را به‌عنوان یادگاری نگه می‌داشت. حالا ۲۶ سال از دستگیری پدر گذشته و نورا زنی مستقل و جراحی مشهور است که اتفاقی بدتر رخ می‌دهد؛ دو تن از بیماران نورا به قتل رسیده و دست‌هایشان دقیقاً به همان شیوه پدرش قطع شده‌اند. این شباهت هولناک سبب می‌شود کارآگاه باربر، پلیسی که روی پرونده کار می‌کند، به نورا مشکوک شود؛ زیرا او تنها کسی است که هم با قربانیان و هم با قاتل اصلی ارتباط دارد. نورا که از میراث ژنتیکی و سایه خون‌آلود پدرش فراری است، کم‌کم به اطرافیانش شک می‌کند؛ به بریدی، شریک عاطفی سابقش که ناگهان دوباره وارد زندگی‌اش شده و به فیلیپ، شریک جذاب و رقابت‌طلبش در مطب. اما واقعاً قاتل کیست؟

فریدا مک فادن با بهره‌گیری از تکنیک‌های روایی حساب شده و شخصیت‌پردازی واقع‌گرایانه، فضای داستان جنایی را هر لحظه تنگ‌تر و نفسگیرتر می‌کند. حدس‌های مخاطب درباره تشخیص قاتل همه اشتباه از آب درمی‌آید و شاید از این نظر دلخور شود، اما این همان امضای مک فادن است؛ نویسنده‌ای که استادانه شما را در مسیری پر از سرنخ‌های گمراه‌کننده می‌کشاند تا درست در لحظه‌ای که فکر می‌کنید همه چیز را فهمیده‌اید، زیر پای شما را خالی کند.

فریدا مک فادن، نویسنده مشهور و محبوب آمریکایی، یک پزشک متخصص آسیب مغزی است که با قلم ماهرانه‌اش توجه تمام مردم جهان را به خود جلب کرده است.

او جزو نویسندگانی است که تجربه‌های زیسته و حرفه‌ای خود را در آثارش نمایان می‌کند. نام مک‌فادن رفته است کنار نویسندگان پزشک دیگری چون آنتوان چخوف، میخائیل بولگاکف، خالد حسینی، آرتور کانن دویل و اروین یالوم. «خدمتکار»، «درممنوعه»، «هرگز دروغ نگو»، «همکار»، «زندانی» و «بخش دی» که جزو آثار پرتیراژ این نویسنده هستند پیش از این توسط ناشران و مترجمان مختلف به بازار کتاب آمده‌اند.

اگر به کتاب‌های جنایی و معمایی علاقه‌مند هستید و سایر آثار فریدا مک فادن را خوانده‌اید و یا از مخاطبان جدی ادبیات آمریکا هستید و نویسندگان آمریکایی را دنبال می‌کنید، خواندن «در ممنوعه» برای شما هم جذاب خواهد بود، کتابی که می‌تواند هر خواننده‌ای را که به دنبال داستان‌هایی با عمق روان‌شناختی و الهام‌بخش است، جذب کند. این اثر به تازگی با ترجمه یاسمین ثانوی در ۲۶۴ صفحه و قیمت ۴۲۰ هزار تومان توسط نشر نون به بازار کتاب آمده است.

گفت‌وگو با علیرضا بهرامی، شاعر و ناشر ادبی درباره احوال کنونی نشر و کتاب‌سازی در این عرصه

هنر کم‌هزینه شاعر شدن!

زهره کهندل | در شرایطی که چرخ اقتصاد در بسیاری از عرصه‌ها نایی برای چرخیدن ندارد، شرایط صنعت نشر به دلیل تکثر و تنوع ابزار سرگرمی، وخیم‌تر شده است و در این میان، برخی شاخه‌ها همچون ادبیات و به ویژه شعر، احوال نامساعدتری دارند. افت شمارگان کتاب شعر به ۱۰۰نسخه و فروش نرفتن همین تعداد پشت ویترین کتاب‌فروشی‌ها، شاعران را بی‌انگیزه و ناشران را بی‌میل به انتشار کتاب شعر کرده است.

علیرضا بهرامی، شاعر و مدیر انتشارات «آرادمان» معتقد است افت شمارگان فقط مختص کتاب شعر نیست و به خبرنگار ما می‌گوید: کاهش شمارگان در صنعت نشر اتفاقی شایع است که کتاب شعر را هم شامل می‌شود. به عنوان کسی که سال‌ها مؤلف، روزنامه‌نگار و ناشر بوده‌ام باید بگویم افت تیراژ و بی‌میلی مردم به خرید کتاب، مشمول همه کتاب‌هاست نه فقط کتاب‌های ادبی.

شاعر مجموعه «راه پله غمگین» درباره اینکه چرا شمارگان کتاب‌های شعر به ۱۰۰ و ۲۰۰ نسخه رسیده و اقبال خریداران به کتاب شعر کم شده است، خاطرنشان می‌کند: کتاب داستان ایرانی نیز همین وضعیت را دارد. حتی شاید باور این مسئله سخت باشد اما اوضاع نشر و شمارگان در کتاب‌های ترجمه هم خوب نیست. به بیان دیگر در شرایط فعلی حال کلی کتاب، خوب نیست.

او درباره دلایل حساسیت جامعه نسبت به افت شمارگان کتاب شعر می‌گوید: شعر هنر ملی ماست و از این رو توقع از کتاب شعر و شمارگان آن بالاست. با وجود اینکه اکنون کتاب‌های شعر در وضعیت مطلوبی نیستند، اما این نامطلوبی فقط مختص شعر نیست، البته سخنانم به این معنا نیست که کتاب‌خوانی در کشور ما کاهش یافته یا سرانه مطالعه کم شده است. اگر امروز مردم کم کتاب می‌خوانند در گذشته هم بیشتر از این کتاب نمی‌خواندند پس نمی‌توانیم بگوییم مردم الان کمتر کتاب می‌خوانند.

بهرامی می‌افزاید: چه بسا در نسل جدید که اتفاقاً با عینک بدبینی به آن‌ها نگاه می‌کنیم به دلایل واقعی و غیرواقعی، کتاب خواندن افزایش پیدا کرده است و آن‌ها برای کتاب‌های غیردرسی بیشتر از کتاب‌های درسی وقت می‌گذارند.

> اتفاق عجیب دیگری که شاعران و ناشران را متعجب کرده است اینکه صفحه یک شاعر در شبکه‌های اجتماعی ۱۰۰هزار دنبال‌کننده دارد ولی وقتی کتابش منتشر می‌شود ۱۰۰ نسخه هم فروش نمی‌رود

■ ابزار جدید سرگرمی منجر به مرگ کتاب نمی‌شود

به گفته این ناشر، شمارگان کتاب شعر زمانی ۲هزار نسخه بود و الان انتظار می‌رود وقتی جمعیت کشور افزایش یافته، شمارگان کتاب هم به عنوان یک شاخص افزایش کتاب‌خوانی، بیشتر شود اما این طور نیست.

بهرامی در تشریح علل این موضوع می‌گوید: پیشرفت فناوری موجب شده عناوین کتاب‌ها افزایش چشمگیری داشته باشد مثلاً در سال ۱۳۷۲ عناوین کتاب شعر در یک سال به ۲۰۰ عنوان هم نمی‌رسید و با شمارگان میانگین ۲ هزار نسخه منتشر می‌شد، ولی ۲۰سال بعد یعنی سال ۹۲ شمارگان کتاب به ۲۰۰ نسخه کاهش پیدا کرد اما تعداد عناوین کتاب‌ها به ۲ هزار نسخه رسید. می‌بینید که عدد خروجی یکسان است ولی با افزایش جمعیت این توقع به وجود می‌آید که تعداد شمارگان باید افزایش می‌یافت و عدد خروجی بیشتر می‌شد.

او اضافه می‌کند: نکته دیگر اینکه ظهور اینترنت، تفریحات الکترونیکی و فناوری در دوره‌های قبل نیز موجب پر کردن اوقات مردم شده بود و زمانی تصور می‌شد با ظهور اینترنت، مرگ کتاب فرامی‌رسد اما نگاه درستی نبود همان طور که چند دهه پیش تصور می‌شد با ظهور تلویزیون، دوره کتاب تمام می‌شود. به هر حال این ابزارها تأثیر خودشان را در سبک زندگی و سلیقه جاری زندگی مردم می‌گذارند اما مرگ کتاب را رقم نمی‌زنند. در واقع تنوع ابزارهای سرگرمی بیشتر شده مثلاً الان فضای مجازی، سینما رفتن و تماشای تلویزیون را کم کرده است، همان طور که وقتی تلویزیون آمد، سرگرمی جدید و به‌روزتری در مقایسه با کتاب بود.

به گفته او، این ابزارهای جایگزین علاوه بر اینکه کارکرد سرگرمی دارند اما فرصت دانش‌افزایی یا حس مطالعه را به مخاطب می‌دهند. اگرچه قابل قیاس با کتاب نیستند اما برخی مخاطبان احساس می‌کنند اگر دنبال‌کننده صفحات تخصصی در شبکه‌های اجتماعی باشند دانش آن‌ها افزایش پیدا می‌کند که در واقعیت هم چنین است اما اینکه راه درستی برای افزایش دانش است یا نه، در مجال دیگری قابل بررسی است.

بهرامی یادآور می‌شود: گذر زمان نشان داده کتاب و مجلات هیچ وقت از سبد زندگی مردم حذف نشدند چه زمانی که رادیو آمد، چه در زمان ظهور تلویزیون و چه اکنون که جهان مجازی توسعه یافته است. حتی ظهور شاخه کتاب الکترونیکی سبب نشد کتاب کاغذی از بین برود. حتی زمانی که کتاب‌های الکترونیکی مخاطبان زیادی پیدا کردند و تصور می‌شد این توسعه جا را برای کتاب کاغذی تنگ می‌کند چنین نشد و افزایش تعداد مخاطبان کتاب‌های الکترونیکی سبب نشد که سهمی از مخاطبان کتاب کاغذی کسر شود چون مخاطبانی کاملاً متمایز از هم داشتند. به هر حال دیدیم طی چند سال اخیر مخاطب ایبوک هم کاهش چشمگیری پیدا کرد و بار دیگر ثابت شد برخی پدیده‌ها، هیجانی زودگذر هستند و پس از مدتی به فراموشی سپرده می‌شوند.

■ سود کتاب چاپ نکردن، بیشتر از کتاب چاپ کردن است!

این ناشر ادبی درباره کم شدن تمایل ناشران به انتشار کتاب با توجه به کسادی بازار نشر و کاهش قدرت خرید مردم می‌گوید: متأسفم بگویم که از نظر اقتصادی در زمانه‌ای قرار گرفتیم که برای بسیاری از ناشران، سود کتاب چاپ نکردن بیشتر از کتاب چاپ کردن است. آیا بازار کتاب تعطیل شده است؟ خیر. برخی از ناشران با برندهای بزرگ که به فکر تجاری‌سازی برندشان بودند به دفعات کتاب چاپ کردند و از این بازار منتفع شدند.

وی توضیح می‌دهد: اتفاق عجیب دیگری که شاعران و ناشران را متعجب کرده است اینکه صفحه یک شاعر در شبکه‌های اجتماعی ۱۰۰هزار دنبال‌کننده دارد ولی وقتی کتابش منتشر می‌شود ۱۰۰ نسخه هم فروش نمی‌رود در حالی که عده‌ای از جامعه که مفت‌بر شده‌اند عضو صفحه آن شاعر می‌شوند تا هزینه خرید کتاب را ندهند و جنس را به رایگان ببرند. در واقع کاربر می‌پذیرد برای چند گیگ اینترنت مصرفی، چند صد هزار تومان پرداخت کند و چیزی در دستش نباشد چون صفحات مجازی مثل باد هواست ولی برای یک کتاب ارزشمند، ۱۰۰هزار تومان پرداخت نکند.

او در نقد مصرف‌زدگی جامعه می‌گوید: همین جامعه مفت‌بر، به خاطر برخی از الگوهای اقتصادی غلط به دنبال ژست‌هایی از زندگی پرزرق و برق در سایز کوچک هستند. برخی تحلیل‌های اقتصادی می‌گوید جامعه‌ای که قدرت سرمایه‌گذاری کلان همچون سرمایه‌گذاری در زمین، بورس یا خودرو را ندارد سعی می‌کند میل خودش به زندگی پرزرق و برق را با مؤلفه‌های کوچک‌تری نشان دهد یعنی حاضر می‌شود در کنسرت گران‌قیمتی شرکت کند که ممکن است صندلی و پارکینگ مناسبی نداشته باشد اما او انتخاب می‌کند با تحمل این شرایط غیراستاندارد، عکس و استوری از خودش در فضای مجازی منتشر کند و نشان دهد مخاطب کنسرت فلانی بوده است.

بهرامی در تحلیل این موضوع و ورودش به ساحت کتاب خاطرنشان می‌کند: در شرایطی که کتاب‌هایی با قیمت معقول و ارزان‌قیمت، اقبال و مشتری ندارند ولی کتاب‌های گران‌قیمتی منتشر می‌شوند که فروش می‌روند! برندهای حوزه نشر هم از این میل ذهنی مخاطب سود می‌برند و با استفاده از این اصل بازار که پول، پول می‌آورد شروع به تولید محتواهای پرزرق و برق می‌کنند. اگرچه خرج کردن برای تولید محتوا و تبلیغات کتاب، اصلاً امر مذمومی نیست ولی وقتی در این الگوی غلط قرار می‌گیرد ابزاری می‌شود برای اینکه برندهای بزرگ سهم بیشتری از این بازار متمایل به زرق و برق‌های کوچک ببرند.

■ شاعر به دنبال ناشر باشد یا ناشر به دنبال شاعر؟

به گفته او، گردش مالی در عرصه نشر در برابر دیگر عرصه‌ها آن قدر ناچیز است که اصطلاح زرق و برق در این بازار به یک لطیفه می‌ماند، اما واقعیتی است که وجود دارد.

بهرامی می‌افزاید: در این میان با ناشرانی مواجهیم که از بازار بالقوه موجود برای تجاری‌سازی استفاده می‌کنند. همان ناشرانی که حاضرند هر شعری را منتشر کنند به شرط اینکه پولش را به آن‌ها بدهد چون شاعر شدن، هنر کم‌هزینه‌ای است یعنی یک زن خانه‌دار یا یک مرد کاسب هم اگر تصمیم بگیرد اثر هنری تولید کند ارزان‌ترین آن انتشار کتاب شعر است؛ به ناشران پول می‌دهند تا برایشان کتاب شعر چاپ کنند.

این ناشر با اشاره به هزینه‌های بالای تولید در دیگر عرصه‌های هنری خاطرنشان می‌کند: اگر کسی بخواهد جنس مبتذلی در حوزه فیلم تولید کند، نیاز به سرمایه‌گذاری قابل توجهی دارد، اما اگر بنا باشد اثر مبتذلی در حوزه شعر منتشر کند، کافی است کاغذ و قلم داشته باشد یا حتی بدون آن روی نوت گوشی تایپ کند، پس از آن بخشی از حقوق ماهیانه‌اش را کنار بگذارد تا به ناشری بدهد و اشعارش را منتشر کند! همان کتاب شعر می‌تواند رزومه خوبی برای کارش باشد یا لااقل پزی در میان دوستان و اقوام تا در دورهمی‌ها سربلندش کند! گاهی هم به عنوان کارت ویزیت برای نمایش و تبلیغ خودش از آن استفاده می‌کند چون در صنف هنرمندان و مؤلفان قرار گرفته است! برخی از ناشران هم با علم به این بازار بالقوه، کارهای خدماتی اینچنینی انجام می‌دهند. البته جای اشکال ندارد چون کار خدماتی یعنی پاسخ‌گویی به نیاز مخاطب!

او در پایان می‌گوید: در نتیجه همین فضا، برخلاف گذشته که تعداد عناوین کمتر بود و شاعران بودند که به دنبال ناشر می‌گشتند ولی در کمال تعجب، الان برخی ناشران به دنبال شاعر می‌گردند تا به عنوان مشتری بالقوه، آن‌ها را جذب کنند و حاشیه سود دفترشان را برای تعطیل نشدن افزایش دهند. واقعیت این است که ناشران نباید به دنبال شاعر بگردند حتی به دنبال شاعر خوب! عرصه نشر باید به گونه‌ای باشد که شاعران خوب هم برای پیدا کردن ناشر، دچار گرفتاری و سختی باشند و در صورت وجود این تنگناها و تنگراه‌ها به میانگین اثر خوب در پشت ویترین کتاب‌فروشی‌ها در حوزه شعر می‌رسیم.

آگهی مفقودی
برگ سبز خودرو سواری سمند مدل ۱۳۹۱ رنگ سفید روغنی به شماره موتور ۱۲۴K۰۰۳۵۳۶۷ و شماره شاسی NAACN۱CM۰CF۲۱۱۵۰۵ و شماره پلاک ۷۹۵۳۴۷ ایران ۷۴مفقود و فاقد اعتبار می‌باشد.
۱۴۰۴۱۶۵۰۷ پ

آگهی مفقودی
برگ سبز موتورسیکلت تریل روان رنگ مشکی مدل۱۳۹۳ به شماره موتور ۰۱۱۵۵۳ و شماره تنه ۹۳۰۲۵۹۰ و شماره پلاک ۸۳۹۸۲ ایران ۷۷۲ به نام جلال ظهرابی چکنه مفقود و فاقد اعتبار می‌باشد.
۱۴۰۴۱۶۵۰۵ پ

آگهی مفقودی
برگ سبز اتومبیل پژو هاچ بک ۲۰۷I سیستم TU۵P مدل ۱۴۰۴ به شماره شاسی NAAR۷۳H۵FSDM۲۳۱۳۰ و شماره موتور ۱۸۸B۰۰۴۴۲۰۷ پلاک ۳۶ ایران ۲۴۱و۸۲ مالکیت زهره بابری قرقی مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط است.
۱۴۰۴۱۶۵۰۰ پ

آگهی مفقودی
برگ سبز و سند کمپانی و کارت سواری ام وی ام TIGG۰۷_AT به شماره انتظامی ۸۴_۶۵۲ل۴۴ به شماره شاسی NATGBACR۵N۱۰۲۳۰۷۸ شماره موتور MVME۴T۱۵BADN۰۲۴۶۲۹ بنام خدیجه حسین زاده مفقود و اعتبار ندارد.
۱۴۰۴۱۶۴۹۸ پ

آگهی مفقودی
برگ سبز خودرو سایپا ۱۳۱SE مدل ۱۳۹۳ به رنگ سفید- روغنی به شماره پلاک ۶۹۷س ۷۶ ایران ۷۴ به شماره موتور ۵۱۱۰۰۶۰ و به شماره شاسی NAS۴۱۱۱۰۰E۳۶۶۲۰۱۵ به نام زهرا نجات مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.
۱۴۰۴۱۶۴۹۴ پ

آگهی مفقودی
برگ سبز، سند و کارت ماشین خودرو سواری پژو ۴۰۵، مدل ۱۳۸۲ به شماره موتور ۰۰۳۲۳۸ و شماره شاسی ۸۲۰۳۷۴۵۴ به شماره پلاک ۹۴۸ ب ۴۵ ایران ۸۵ به نام مرتضی محمودی مفقود گردیده و اعتبار ندارد.
۱۴۰۴۱۶۴۶۰ پ

آگهی مفقودی
برگ سبز سایپا SHAHIN مدل ۱۴۰۲ به رنگ سفید به شماره موتور M۱۵TC/۲۰۷۰۵۸۴ به شماره شاسی NAS۱۱۱۱۰۰p۱۰۶۸۵۹۶ به شماره پلاک ۳۶ ایران ۸۳۹ ن ۲۳ متعلق به ناهید مرادی مفقود گردیده و فاقد اعتبار می باشد.
۱۴۰۴۱۶۴۹۵ پ

آگهی مفقودی
برگ سبز خودرو سواری سایپا تیپ ۱۱۱SE رنگ سفید مدل ۱۳۹۷ به شماره شهربانی ۸۱ ه ۴۴۶ ایران ۷۴ و به شماره شاسی NAS۴۳۱۱۰۰J۱۰۳۷۷۳۳ و شماره موتور M۱۳/۶۱۸۷۰۹۱ به مالکیت فائزه نعمتی فاروجی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌گردد.
۱۴۰۴۱۶۵۱۰ پ

آگهی مفقودی
برگ سبز خودروی سواری پژو۲۰۶SD-TU۵ مدل ۱۳۹۵ رنگ سفید روغنی به شماره موتور ۱۶۷B۰۰۱۴۵۴۱ و شماره شاسی NAAP۴۱FEXGJ۷۸۸۲۴۵ و شماره پلاک ۷۷۳ م ۵۳ - ایران ۳۶ متعلق به مهدی ارگ شاه قلی مفقود شده و اعتبار ندارد
۱۴۰۴۱۶۴۹۶ پ

آگهی مفقودی
مدرک فارغ التحصیلی اینجانب امیررئوفی فرزند علی به شماره شناسنامه ۵۲۱۰۰۶۲۱۵۵ صادره از جغتای مقطع کارشناسی رشته پرستاری صادره از واحد دانشگاهی بیرجند با شماره تایید سازمان مرکزی ۱۵۹۵۱۳۱۰۱۶۱۰ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می باشد. از یابنده تقاضا می شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد بیرجند به نشانی بیرجند - انتهای خیابان آیت الله غفاری ارسال نمایید.
۱۴۰۴۱۶۴۸۵ پ

آگهی مفقودی
کارت، برگ سبز و سند کامیون کشنده ماک مدل ۱۹۷۵به رنگ نارنجی- روغنی به شماره پلاک ۵۴- ۴۶۷ع۴۷ به شماره موتور TASB۶۷۳AJ۴۸۹۵ و شماره شاسی ۰۱۸۶۷۴ به مالکیت سهراب بلیوان مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.
۱۴۰۴۱۶۴۵۳ ف

آگهی مفقودی
برگ سبز خودرو سواری پراید ۱۳۱سایپا به رنگ سفید -روغنی مدل ۱۳۹۴به شماره موتور ۵۴۳۱۴۳۹ به شماره شاسی NAS۴۱۱۱۰۰F۳۴۳۲۷۹۹به شماره پلاک ۸۴۵ص۴۸ایران۹۵به مالکیت محمد عثمان بلوچی مفقود و از درجه اعتبار ساقط می باشد/ ایرانشهر
۱۴۰۴۱۶۵۰۳ پ

((آگهی مناقصه عمومی یک مرحله ای همراه با ارزیابی کیفی))طرحهای عمرانی

شرکت آب و فاضلاب مشهد در نظر دارد فراخوان جهت برگزاری مناقصه عمومی مشروح ذیل را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) برگزار نماید، کلیه مراحل برگزاری فراخوان از دریافت و تحویل اسناد تا ارسال دعوتنامه و اسناد ارزیابی کیفی جهت سایر مراحل مناقصه ، از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس WWW.SETADIRAN.IR انجام خواهد شد . لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی ، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضاء الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند .

ردیف	موضوع	شماره فراخوان	مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار به ریال	نوع تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار
۱	خرید دستگاه جذب اتمی و متعلقات	۲۰۰۴۰۰۵۱۲۹۰۰۰۱۳۲	۱۲/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰	۱.واریز نقدی به حساب جاری شماره ۴۰۰۱۰۰۹۷۰۷۱۴۶۰۰۹ بانك ملی مرکزی مشهد ۲. ضمانتنامه بانکی ۳. اوراق مالی اسلامی

۱- مهلت دریافت اسناد مناقصه و اسناد ارزیابی کیفی : از تاریخ ۱۴۰۴/۱۰/۲۹ لغایت ۱۴۰۴/۱۱/۰۲
۲- خاتمه دوره بارگذاری، تکمیل و ارسال اسناد مناقصه و اسناد ارزیابی کیفی : ۱۴۰۴/۱۱/۱۸
۳- مدت اعتبار پیشنهادات از تاریخ تحویل پاکات پیشنهاد قیمت به مدت ۳ ماه می باشد .
۴- اطلاعات تماس دستگاه مناقصه گذار : مشهد، خیابان فلسطین ، نبش فلسطین ۲۶ ، شرکت آبفا مشهد ، تلفن : ۰۵۱-۳۷۰۰۸۱۵۰
۵- هزینه درج آگهی بر عهده برنده مناقصه می باشد .

دفتر روابط عمومی و آموزش همگانی شرکت آب و فاضلاب مشهد
۱۴۰۴۱۶۵۱۷